

قواعد درس ۳ دوازدهم  
مشترک و انسانی

تهیه کننده: استاد مسیح خواه

تعریف استثناء:

ساختاری که در آن به وسیله حرف «إِلَّا» شخص یا گروهی را از حکمی که به ماقبل داده‌ایم جدا می‌کنیم.

معال: كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ: هر چیزی به جز علم با انفاق (خرج کردن) کم می‌شود.

ارکان استثناء

• کلمه ای که مستثنی از آن جدا شده است. و قبل از «إِلَّا» می‌آید. (کلّ شيء)

مستثنی منه

• حرف «إِلَّا» که بوسیله آن مستثنی را جدا می‌کنیم.

ادات استثناء

• کلمه ای که بعد از «إِلَّا» آمده و از حکم کلی جمله قبل از آن جدا می‌شود. و منصوب است. (العلم)

مستثنی

الطُّلَابُ نَجَحُوا إِلَّا حَامِدًا : دانش آموزان به جز حامد موفق شدند.

الطُّلَابُ: مستثنی منه      إِلَّا: ادات استثناء      حَامِدٌ: مستثنی

حَفِظْتُ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ إِلَّا عَشْرَةَ آيَاتٍ: سوره واقعه به جز ده آیه را حفظ کردم.

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ: مستثنی منه      إِلَّا: ادات استثناء      عَشْرَةَ آيَاتٍ: مستثنی

تست

عیّن أسلوب الاستثناء:

(۱) ماتعرف علی حقيقة الحياة إلا صاحب الأخلاق الحسنة! (۲) لاينتفع من العلوم إلا العلماء المجدون!

۳) لم يغرس الاشجار المثمرة الا هذا الفلاح النشيط!  
۴) ماسمعت خبراً من التلقاز الا الاخبار الاقتصادية!

### پاسخ صحیح: گزینه ی ۴

زمانی اسلوب استثنا داریم که «مستثنی منه» در جمله موجود باشد. در ۳ گزینه ی اول «مستثنی منه» وجود ندارد. اما در گزینه ی ۴ کلمه ی «خبراً» می باشد بنابراین اسلوب استثنا وجود دارد.

ترجمه ی عبارت چنین است: خبری جز اخبار اقتصادی از تلویزیون نشنیدم.



مراقب باشید ترکیب «**أن+لا** = **ألا**» را با «إلا» استثنائیه اشتباه نگیرید.

«أريدُ منك ألا تكذب»: از تو می خواهم که دروغ نگویی. در مثال مذکور استثناء وجود ندارد.



(سراسری تجربی ۹۵ با تغییر)

عین ماليس من أسلوب الاستثناء:

۲) ما أرجوك ألا تتبع هذا الطريق!

۱) اشتریت أنواع الفاكهة إلا أناس!

۳) لا يصيد الصيادون صيداً إلا المبادرين مع الفجر!  
۴) ما طالعت ليلة الامتحان كتاباً إلا كتاب العربية!

### پاسخ صحیح: گزینه ی ۲

دقت کنید «إلا» معمولاً بر سر فعل نمی آید. در گزینه ی ۲ «ألا» در واقع مرکب از «أن» و «لا» می باشد و حرف

استثنا نیست. از ترجمه ی عبارت نیز میتوان فهمید که «ألا» در این گزینه حرف استثنا نیست: آنچه از تو می خواهم

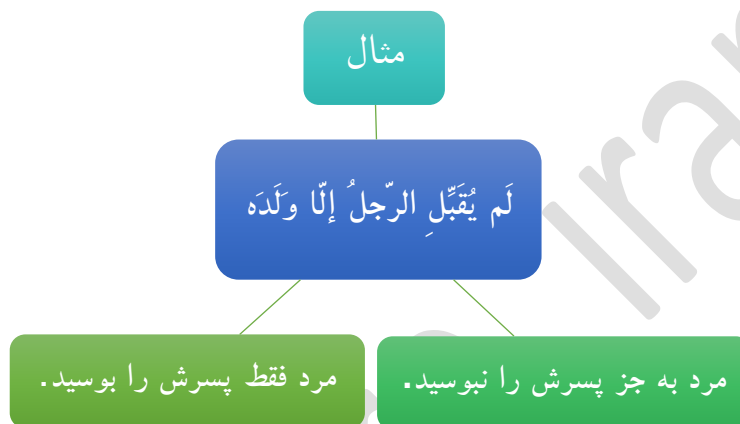
این است که جز این راه را پیروی نکنی.

اسلوب حصر

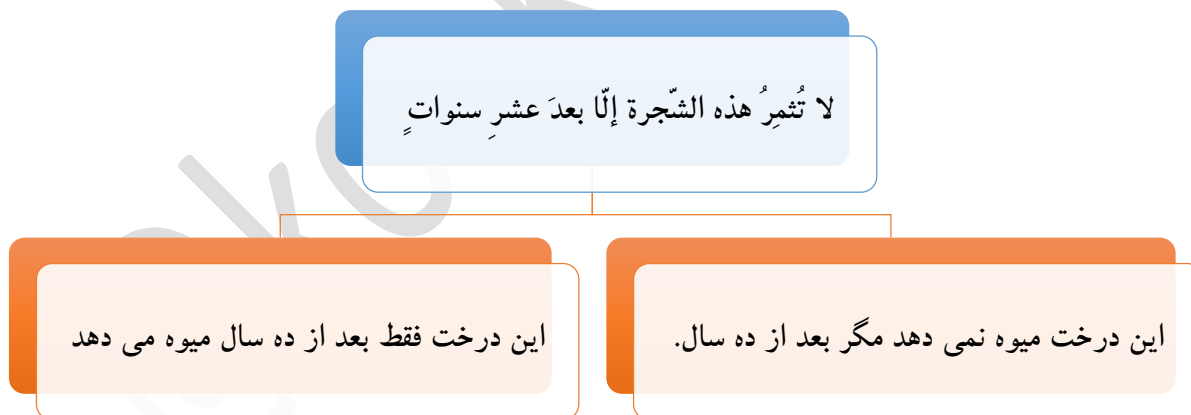
تعریف

**حَصْر** به معنای اختصاص دادن چیزی به کسی یا موضوعی است؛ و به جمله‌ای گوئیم که مستثنی منه در آن محذوف است.

حصر و اختصاص در زبان عربی به چند شکل می‌آید که یکی از آن‌ها حصر **بوسیله نفی و إلیا** است. در اینصورت إلیا در معنای استثناء نیست.



**نکته طلایی:** جمله حصر را میتوان به صورت **مثبت و با تأکید** ترجمه کرد. به این شکل که به جای إلیا «فقط یا تنها» را در ترجمه می‌آوریم.



عَيْنُ تَرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: «لَا قُوَّةَ تَقْدِرُ أَنْ تُنْقِذَنَا مِنْ خِرَافَاتِ نَعِيشٍ مَعَهَا إِلَّا التَّفَكُّرُ!»: (تجربی ۹۸)

(۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه‌هایی که به آن زنده ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!

(۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات بدهد از اینک که با خرافات زندگی نمائیم!

- ۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می تواند ما را از خرافه هایی نجات دهد که با آن زنده ایم!
- ۴) نیرویی که می تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می کنیم ، رها سازد ، فقط تفکر است!

پاسخ صحیح: گزینه ی ۴



۱- حصر فقط در جملات منفی می آید. (یا سؤالی یا نهی). بنابراین این هر جمله ای که نفی (یا سؤالی یا نهی) ندارد صد در صد استثناء بوده و حصر نمی باشد. اما هر جمله ای که نفی دارد لزوماً حصر نیست؛ مانند مثال زیر که منفی بوده اما استثناست: «ما قرأتُ کتاباً إِلَّا کتابَ العریبةِ»: کتابی جز کتاب عربی را نخواندم.

۲- در حصر معمولاً جمله ی قبل از إِلَّا از نظر معنا کامل نیست؛ مثلاً «ما رأیتُ إِلَّا جمیلاً» همانطور که می بینید با حذف «إِلَّا جمیلاً»، ترجمه ناقص می شود. «من ندیدم...» در اینجا نیاز به مفعول داریم که معنا را کامل کند. یا در «لا یُکفرُ بآیاتِ اللهِ إِلَّا القومُ الفاسِقونَ» با حذف «إِلَّا القومُ الفاسِقونَ» ترجمه چنین میشود: به آیات خداوند کفر نمی ورزند؛ که در اینجا جمله فاعل نداشته و از اینرو معنایش ناقص است و با آمدن مستثنی کامل میشود.

۳- اسم بعد از «إِلَّا» اگر مرفوع بود حتماً حصر است، زیرا مستثنی وجوباً منصوب است و اعراب رفع در آن وجود ندارد.

۴- راه دیگر برای شناخت حصر چنین است که نفی و إِلَّا را حذف می کنیم اگر جمله معنادار و کامل باشد آن را حصر می گیریم وگرنه استثناء است.



«ما نَجَحَ إِلَّا النَّسِيطونَ» پس از حذف نفی و إِلَّا چنین می شود: «نَجَحَ النَّسِيطونَ»: «افراد پرتلاش موفق شدند». چون ترجمه جمله کامل است پس حصر است.

اما در مثال: «ما رَسَبَ تَلْمِیذٌ إِلَّا حامداً» جمله با حذف نفی و إِلَّا چنین می شود: «رَسَبَ تَلْمِیذٌ حامداً»: «دانش آموزی مردود شد حامد» این جمله ترجمه دقیق و کاملی ندارد پس حصر نمی باشد.

(تست)

عین المستثنی منه محذوفاً:

(سراسری هنر ۹۵)

- (۱) أعطى المحسن طعامه إلى الفقير إلا قليلاً منه! (۲) يبدأ أفراد هذه الأسرة عملهم صباح الباكر إلا اثنين منهم!  
(۳) نجح التلاميذ في دروسهم إلا الذين لم يدرسوا جيداً! (۴) لا يجد الإنسان في خلقه هذا العالم إلا الحكمة!

تستهای درس ۳ دوازدهم مشترک و انسانی

(طراح: استاد مسیح خواه)

۱- عین ما لا تطابق الكلمة توضیحها:

(۱) صحفی: من هو يعمل في مجال الجراید و الصحف!

(۲) ظروف: الأوضاع و الأحوال الشخصیة أو الاجتماعیة أو الجویة!

(۳) واثق: من يشعر بوجع الآخرين!

(۴) ضاق: قل حجه!

۲- آیا جمله لا تشتمل على المتضادین:

(۱) كل شيء يرخص إذا كثرت إلا الأدب إذا كثرت غلا!

(۲) أجاب الصحابي: هم جماعة يدعون الله و يسألونه!

(۳) أسرع الصبي نحو والده لكن أخته وصلت متأخراً!

(۴) اجتمع الناس حول النبي و بعد الصلاة انفضوا!

۳- ما هو الصحيح للتوضیحات التالیة على الترتیب؟ (انسانی)

(قدم رأياً و فكرة / الولد قبل سن الشباب / جعله مختاراً بين شیبین أو أكثر)

(۱) اقتراح / أمرد / اختار (۲) اقتراح / أمرد / خیر

(۳) أعتق / يافع / خیر (۴) أعتق / يافع / اختار

۴-انتخب الصّحیح فی التّرجمة: «ما استطاع العقّاد أن یدرسَ المرحلة الثّانویّة لکن ما اعتمد إلّا علی نفسه»: عقّاد.....

(۱) نتوانست که در مرحله ی متوسطه درس بخواند اما بر خودش اعتماد نداشت.

(۲) قادر به ادامه تحصیل در مرحله ی متوسطه نبود ولی بر کسی جز خودش اعتماد نکرد.

(۳) نتوانست در مرحله ی متوسطه تحصیل کند اما فقط بر خودش تکیه کرد.

(۴) هنگامی که نتوانست در مرحله ی متوسطه تحصیل کند به کسی جز خودش تکیه نکرد.

۵-عیّن التّرجمة الصّحیحة: «عندما کانت تحضن الشّیماء النّبیّ (ص) و تلاعبه، تدعو الله أن تراہ یافعاً و أمرداً» (انسانی)

(۱) هنگامی که شیما پیامبر(ص) را در آغوش گرفت و با او بازی کرد، از خداوند خواست که او را نوجوان کم سن و سال ببیند!

(۲) شیما هنگامی که با رسول خدا(ص) بازی می کرد و او را در آغوش می کشید، دعا می کرد که او نوجوانی کم سن و سال شود!

(۳) هنگامی که شیما پیامبر(ص) را در آغوش می گرفت و با او بازی می کرد از خداوند میخواست که او را نوجوانی کم سن و سال ببیند!

(۴) وقتی که شیما پیامبر(ص) را در آغوش گرفت و با او بازی می کرد، خداوند را خواند که او را نوجوان کم سن و سال ببیند!

۶-عیّن التّرجمة الصّحیحة: «انزعج رسولُ الله (ص) حین رأى رجلاً لم یقبّل إلّا ابنه لِأنّه کان یفرّقُ بینهما»: رسول خدا(ص)....

(۱) هنگامی که دید که آن مرد فقط پسرش را می بوسید ناراحت شد؛ چون بین دو فرزندش فرق می گذاشت!

(۲) وقتی مردی را دید که نمی بوسد به جز پسرش را، ناراحت شد؛ چرا که بین آنها فرق گذاشته بود!

(۳) هنگامی که مردی را دید که فقط پسرش را بوسید ناراحت شد چون او بین آنها فرق می گذاشت!

۴) هرگاه مردی را ببیند که فقط پسرش را می‌بوسد ناراحت می‌شود؛ چرا که بین آنها تفاوت قائل شده است!

### ۷- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ: (انسانی)

۱) ما أكرم أنوشروان فلاحاً عجوزاً: چه شریف است انوشیروان نسبت به کشاورز پیر!

۲) تلك الشجرة لا تثمر إلا بعد سبعة شهور: آن درخت فقط بعد از هفت ماه میوه می‌دهد!

۳) ما أسرع إعطاء أنوشروان إليه: چه سریع است بخشش انوشیروان به او!

۴) إن تكن غليظ القلب انفضوا من حولك: اگر سنگدل باشی مردم از اطرافت پراکنده می‌شوند!

### ۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ:

۱) لم يُشجّعوا فريق كرة القدم: تشویق نخواهند کرد!

۲) أعتذرک يا الله: عذر مرا ببذیر!

۳) لا تُصغّر الذنوب: کوچک نشمار!

۴) لا تتظاهروا بالإيمان: وانمود نکنید!

۹- للتعريب: «اینان دانش فرا می‌گیرند و نادانان را دانا می‌کنند»

۱) هؤلاء يُعلّمون و يتفقّهون الجاهلین!

۲) هم يتعلّمون و يُفقّهون الجهلاء!

۳) هؤلاء يتعلّمون و يصیرُ الجاهلون علماء!

۴) هم يُعلّمون و يُفقّهون الجهلاء!

۱۰- عَيْنِ الْأَبْعَدِ مِنْ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «كُلُّ شَيْءٍ يَرُخَّصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبَ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ غَلَا»

۱) إنَّ احتیاج الناس إلى صالح الأدب أكثر منه إلى الفضة و الذهب!

۲) الأدب كمال الرجل!

(۳) إِذَا زَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَ أَدْبُهُ وَتَضَاعَفَ تَوَاضَعُهُ !

(۴) إِنَّ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّنُ نَفْسِكَ فَإِنْ زَادَا عِلْمُكَ وَادْبُكَ زَادَا تَمَنُّكَ !

۱۱- عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَحذُوفًا:

(۱) إِنَّهَا لَا تُتَمَّرُ عَادَةً إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سِنَوَاتٍ !

(۲) أَلَيْسَ لِلتَّلْمِيزِ عَمَلٌ إِلَّا الدَّرَاسَةُ؟!

(۳) لَنْ يَنْجَحَ الطَّلَابُ إِلَّا الْمُجْتَهِدِينَ مِنْهُمْ!

(۴) مَا دَافَعُوا عَنِ الْوَطَنِ إِلَّا الَّذِينَ يُحِبُّونَهُ !

۱۲- عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ اسْمٌ لِفِعْلِ نَاقِصٍ: (انسانی)

(۱) كَانَهُ لَا يَقْرَأُ كِتَابًا إِلَّا كِتَابَ الْأَدْعِيَةِ!

(۲) لَيْسَ لَنَا عَمَلٌ فِي الْحَرَمِ النَّبَوِيِّ إِلَّا الدَّعَاءُ إِلَى اللَّهِ !

(۳) كَانَ الْمَدِيرُ قَدْ دَعَا الْمُوظَّفِينَ إِلَى الضِّيَافَةِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ!

(۴) مَا دَامَ عِنْدِي أَسْرَارٌ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا اللَّهُ !

۱۳- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَسْلُوبُ الْحَصْرِ:

(۱) (قَمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا)!

(۲) مَا اعْتَمَدَ الْعَقَادُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ!

(۳) (وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ)!

(۴) مَا أَضَافَ هَذَا الْكِتَابَ إِلَّا مَعْرِفَتِي إِلَى أَنْوَاعِ السَّمَكِ!

۱۴- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ الْكَلِمَاتِ:

(۱) كَانَ أَنْوَشِرَوَانُ أَحَدَ مَلُوكِ إِيْرَانِ!



۲) أَخَذَ الرَّجُلُ يَدَ ابْنِهِ وَ قَبَّلَهَا !

۳) مَرَّتِ الْأَيَّامُ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُكْبِرُ !

۴) كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ أُخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ !

۱۵- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَمَّا تَحْتَهُ خَطٌّ: «خَيْرَهَا بَيْنَ الْإِقَامَةِ مُعَزَّزَةً أَوْ الْعُودَةِ سَالِمَةً»

۱) خَيْرَ: فعل ماضٍ - ثلاثي مزيد من باب تفعيل - لازم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

۲) الإقَامَةُ: اسم مفرد مؤنث - مصدر باب إفعال - معرف بـ آل / مضاف إليه و مجرور

۳) مُعَزَّزَةٌ: اسم مفرد مؤنث - اسم فاعل (من مصدر تعزير) - نكرة / حال و منصوب

۴) سَالِمَةً: اسم مؤنث - اسم فاعل من ثلاثي مجرد - نكرة / صفة للعودة

### پاسخ تشریحی:

۱- پاسخ صحیح: گزینه ۳

وائق به معنای مطمئن است در حالیکه ترجمه گزینه ۳ چنین است: کسی که درد دیگران را احساس می کند.

ترجمه سایر گزینه ها:

۱- روزنامه نگار: کسی که در زمینه مجلات و روزنامه ها کار می کند.

۲- شرایط: اوضاع و احوال شخصی یا اجتماعی یا آب و هوا

۴- تنگ شد: حجمش کم شد.

۲- پاسخ صحیح: گزینه ۳

در گزینه ۱ «یرخص» و «غلا»، در گزینه ۲ «أجاب» و «یسألون»، و در گزینه ۴ «اجتمع» و «انفضوا» متضاد هستند. اما «أسرع» و «متأخره» در گزینه ۳ نمیتواند متضاد باشد چون أسرع به معنای «شتافت» و «متأخره» به

معنای «دیر» است که متضادش «مبكرة» می باشد نه «أسرع»

### ۳- پاسخ صحیح: گزینه ۲

ارائه ی فکر و نظر: پیشنهاد=اقتراح/پسر بچه قبل از سن بلوغ:نوجوان=آمرد/او را بین دو چیز یا بیشتر مختار کرد:اختیار داد=خیر بنابراین گزینه ۲ صحیح است.

### ۴- پاسخ صحیح: گزینه ۳

«اعتمد علی» در اینجا به معنای «تکیه کردن» نه «اعتماد داشتن»(ردّ گزینه ۱ و ۲)  
«ما استطاع» فعل ماضی منفی است. ولی در ترجمه گزینه ۲ «قادر نبود» به صورت اسمیّه معنا شده است.  
در گزینه ۴ «هنگامی که» و «کسی» اضافه ترجمه شده است.

### ۵- پاسخ صحیح: گزینه ۳

«کانت تحضن» مضارع استمراری است.(ردّ گزینه ۱ و ۴)  
«تدعو الله» به معنای «از خداوند می خواست» می باشد که فقط در گزینه ۳ به درستی ترجمه شده است.  
علاوه بر اینها «تراه» در گزینه ۲ ترجمه نشده است.

### ۶- پاسخ صحیح: گزینه ۳

«لَمْ يُقَبَّلْ إِلَّا ابْنَهُ» حصر است و به دو صورت ترجمه می گردد: ۱-جز پسرش را نبوسید. ۲-فقط پسرش را بوسید.  
این نکته در گزینه ها رعایت شده است. اما فعل «لَمْ يُقَبَّلْ» معادل ماضی ساده است و جمله وصفیه ای است که بعد از فعل ماضی آمده، پس باید به صورت «ماضی ساده یا ماضی بعید» ترجمه شود بنابراین ترجمه ی آن در سه گزینه ۱ و ۲ و ۴ غلط می باشد.

«كَانَ يُفَرِّقُ» معادل ماضی استمراری بوده و در گزینه ۲ و ۴ به اشتباه ترجمه شده است.

۷- پاسخ صحیح: گزینه ۱ «ما أكرم» در گزینه ۱ فعل ماضی منفی است و نه فعل تعجبدر تعجب هیچگاه فاعل به صورت اسم ظاهر نمی آید و اسم بعد از آن حتما منصوب است. ترجمه عبارت چنین است: «نوشروان کشاورز پیر را گرامی نداشت»

۸- پاسخ صحیح: گزینه ۴

«لَمْ يُشَجَّعُوا» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی ترجمه می‌شود: تشویق نکردند.

«أَعْتَذِرُكَ» یعنی: از تو عذر می‌خواهم.

«لَا تُصَغِّرُ» با توجّه به اینکه آخر فعل ساکن نگرفته است مضارع منفی است و نه نهی. ترجمه آن چنین است: کوچک نمی‌شماری.

گزینه ۴ فعل نهی بوده و به درستی ترجمه شده است.

۹- پاسخ: گزینه ۲

فرا می‌گیرند: «يَتَعَلَّمُونَ» و «دانا می‌کنند»: «يُقَفِّهُونَ» می‌شود بنابر این گزینه ۲ صحیح است.

غلط سایر گزینه‌ها:

«يُعَلِّمُونَ» به معنای آموزش می‌دهند است نه فرا می‌گیرند. (ردّ گزینه ۱ و ۴)

«يَتَفَقَّهُونَ» نیز به معنای می‌فهمند و دانا می‌شوند است نه دانا می‌کنند. (ردّ گزینه ۱)

«يَصِيرُ الْجَاهِلُونَ عُلَمَاءَ» در گزینه ۳ نیز به معنای این است که: نادانان دانا می‌شوند. و تعریب صحیحی برای دانا می‌کنند نمی‌باشد.

۱۰- پاسخ: گزینه ۳

در تمام گزینه‌ها به ارزش و قیمت ادب اشاره دارد به جز گزینه ۳ که اشاره به این دارد که هرچه علم فردی بیشتر شود ادب و تواضع او نیز بیشتر می‌شود. در واقع اشاره به رابطه علم و ادب دارد نه ارزش و بهای ادب.

۱۱- پاسخ: گزینه ۱ در گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ مستثنی منه به ترتیب عبارتند از «عمل» و «الطَّلَاب» و «واو» در

دافعوا (چون مستثنی به صورت ضمیر در کتاب نیامده اینگونه توجیه می‌کنیم که در اینجا جمله قبل از إِلَّا کامل است یا به عبارتی چون در جمله قبل از إِلَّا نفی نداریم پس نمیتواند حصر باشد.

اما در گزینه ۱ حصر وجود دارد چون مستثنی منه نداریم، یا به عبارت دیگر با برداشتن نفی و إلاً ترجمه‌ی جمله درست است: «إِنَّهَا تُتَمَّرُ عَادَةً بَعْدَ عَشْرِ سِنَوَاتٍ» آن معمولاً بعد از ۱۰ ماه میوه می دهد.

۱۲- پاسخ: گزینه ۳

در این سؤال جمله ای را خواسته که در آن مستثنی منه، اسم افعال ناقصه باشد.  
مستثنی منه در گزینه ۳ «عمل» است که اسم لیس بوده و جواب تست می باشد.  
در گزینه ۱ اصلاً فعل ناقصه وجود ندارد. بلکه «كأن» از حرف مشبهة بالفعل است.  
در گزینه ۲ مستثنی منه «الموظفين» است که اسم کان نمی باشد.  
در گزینه ۴ نیز اصلاً حصر وجود دارد نه استثناء، بنابراین مستثنی منه ندارد که بخواهیم در مورد نقشش صحبت کنیم.

۱۳- پاسخ: گزینه ۱

حصر در جایی وجود دارد که جمله منفی بوده و مستثنی منه ندارد.  
در گزینه ۱ اولاً: در این جمله «نفی» وجود ندارد. ثانیاً: مستثنی منه دارد که «اللَّيْل» است. بنابراین حصر نیست.

۱۴- پاسخ: گزینه ۲

«ابنه» در گزینه ۲ مضاف إليه است و باید مجرور شود. پس «ابنه» صحیح است.

۱۵- پاسخ: گزینه ۲

غلط سایر گزینه ها:

(۱) فعل «خَيْرٌ» متعدی است نه لازم

(۳) «مُعَزَّةٌ» اسم مفعول است نه اسم فاعل

(۴) «سَالِمَةٌ» حال است نه صفت